

فیلمی برای عشاق سینما

ایتن ادواردزی که وین و فورد خلق کرده‌اند از سویی پسرعموی ناخدا ایهب، مخلوق هرمان ملویل و از سویی دیگر بارتلمی او است.



همشهری آنلاین: ایتن ادواردزی که وین و فورد خلق کرده‌اند از سویی پسرعموی ناخدا ایهب، مخلوق هرمان ملویل و از سویی دیگر بارتلمی او است.

جویندگان کم‌وبیش به‌طور رسمی بزرگ‌ترین فیلم کلاسیک آمریکایی شناخته می‌شود. اما راستش باید اعتراف کنم من هیچ‌وقت نفهمیدم چنین تعریفی چه معنایی می‌دهد.

این فیلم در بسیاری از فهرست‌های 10 فیلم برتر تاریخ سینما از جمله فهرست خود من حضور دارد. حداقل دو لحظه از فیلم در کلیپ‌های مختلف سینمایی دیده می‌شوند: آنجایی که جان وین، ناتالی وود را بلند می‌کند و او را آرام می‌کند، و البته نمای پایانی. عشاق سینما فیلم را از بر هستند.

اما آدم‌هایی که گه‌گاه به سینما می‌روند چطور؟ شاهکار جان فورد در خودآگاه ملی ما چه جایگاهی دارد؟ به‌قول گلن فرانکل در کتاب جویندگان: ساخت اسطوره‌های آمریکایی، که کتاب جذاب جدیدش درباره‌ی این فیلم و تاریخچه‌ی آن است، «جویندگان شاید بزرگ‌ترین فیلم هالیوود باشد که کمتر کسی آن را دیده!»

اول بگویم که جدا از این‌که جویندگان اثری حماسی است، یک وسترن جان‌وینی است؛ و با این‌حال برای بسیاری حتی در این مقطع از تاریخ سینما، همین وسترن جان‌وینی بودن بهانه‌ای است برای نادیده‌گرفتن فیلم.

دوم این‌که، فیلم به‌سادگی دیگر فیلم‌هایی که اسمشان برده می‌شود هضم نمی‌شود. این فیلم مثل بسیاری از آثار بزرگ هنری، اثری ناراحت است. هسته‌ی مرکزی فیلم بسیار آزاردهنده است.

هر بار که فیلم را می‌بینم - بارهای بار این فیلم را دیدم، از همان اولین باری که سال 1956 روی پرده رفت - مرا تسخیر می‌کند و آزار می‌دهد.

شخصیت ایتن ادواردز یکی از اعصاب‌خردکن‌ترین شخصیت‌های تاریخ سینمای آمریکاست. از طرفی این شخصیت همسو با پرسونای وین و مجموعه فیلم‌هایش با جان فورد و دیگر کارگردان‌ها مثلاً هوارد هاکس و هنری هاتاوی است.

این بازی، بهترین بازیگری یک بازیگر بزرگ آمریکایی است (همه با این حرف موافق نیستند. جان وین به مرور زمان بیشتر و بیشتر تحت تأثیرم می‌گذارد).

ایتن از طرفی به‌معنای واقعی کلمه ترسناک است. میل وسواس‌گونه‌ی او، نفرت تمام‌وکمالش از سرخ‌پوست‌های کومانچی و تمامی بومیان آمریکا و تنهایی‌اش، او را از دیگر نقش‌هایی که وین بازی کرد جدا می‌سازد و راستش از بیشتر قهرمان‌های فیلم‌های آمریکایی هم متمایز می‌کند.

حتی نقش هفت‌تیرکش در مردی که لیبرتی والانس را کشت، آخرین بازی او برای فورد، هم به این عمیقی نیست.

ایتن ادواردزی که وین و فورد خلق کرده‌اند از سویی پسرعموی ناخدا ایهب، مخلوق هرمان ملویل و از سویی دیگر بارتلمی او است - و به‌سمت جنون و تنهایی محض قدم برمی‌دارد.

در اوایل فیلم صحنه‌ای تکان‌دهنده داریم که در آن ایتن و گروه همراهش با جسد مدفون کومانچی زیر یک صخره روبه‌رو می‌شوند.

او به چشم‌های مرد مرده شلیک می‌کند تا مانع ورود او به دنیای ارواح شود و محکومش می‌کند به سرگشتگی میان باده‌ها تا ابد!

هیچ‌کدام از همراهانش متوجه منظور او از این کار نیست: او از کومانچی‌ها متنفر است آن‌قدر که به خودش زحمت داده تا از تمامی عقاید آنها مطلع شود و بعد به آنها بی‌حرمتی کند.

وقتی او در نهایت برادرزاده‌ی خود را پیدا می‌کند، آن هم پس از ده سال تلاش برای یافتن این دختر، می‌بیند که او راه و زبان ربایندگان خود را فراگرفته و استفاده می‌کند و همین باعث می‌شود درجا تصمیم به قتل دختر بگیرد.

جنون ایتن ادواردز چنین است، جنون نفرت از نژاد است - انزجار و میل به کشتن درست کنار علاقه و جذب شدن قرار می‌گیرند. نویسنده کار درخشانی در تصویرکردن این جنون و نقش آن در تاریخ آمریکا و در ژانر وسترن انجام داده است.

کتاب فرانکل فراتر از تاریخچه‌ی تولید این فیلم است. فرانکل با نوشتن درباره‌ی فورد شروع می‌کند که از بسیاری جهات به اندازه‌ی ایتن پیچیده و البته تنها بود و بعد ما را به عمق آمریکای تازه متولد شده می‌برد، به سمت رخدادهایی واقعی که منجر به ساخت فیلم شدند.

داستان سینتیا آن پارکر، که در نه‌سالگی توسط کومانچی‌ها ربوده شد، آن هم پس از مشاهده‌ی قتل خانواده‌اش به دست آنها، روزگاری که کل آمریکا را اسیر خود کرده بود. این یکی از ماجراهای کلاسیک آدم‌ربایی تاریخ این کشور است.

عموی او، جیمز شخصیتی جذاب است که سال‌های بسیار صرف جستن او می‌کند. سینتیا را یک زوج کومانچی بزرگ می‌کنند و بعد با رئیس قبیله به نام پتا نوکونو ازدواج می‌کند و سه فرزند برایش به دنیا می‌آورد.

وقتی 24 سال بعد رنجرهای تگزاس او را پیدا می‌کنند، سینتیا هم شبیه کومانچی‌ها شده و هم مثل آنها حرف می‌زند و به کل انگلیسی حرف‌زدن را فراموش کرده است.

ترجمه‌ی حسین عیدی‌زاده / منبع: همشهری 24